

# دغدغه‌ها و دل بستگی‌های يك معلم تاريخ

۲

اگرچه قبول هر امر و عمل به آن، به علاقه‌مندی نیاز دارد، اما در مورد درس تاريخ، اين شرط اهميتی دوچندان دارد، زيرا در بيش‌تر علوم و دروس، تصور دست‌يابی به سود و منفعت يا کاربردی علمي، وجود دارد. از اغلب شاخه‌های علوم و ادبيات، می‌توان لذت برد يا به عمل و نيز نتیجه‌ای ملموس و محسوس رسيد. اما علم و درس تاريخ، با همه اهميت، حساسيت، نتیجه‌ها و فايده‌های علمي و عملي بسيار، هم به دانش مخاطبان خویش و هم به خواست و علاقه‌مندی آنان متکی بوده است.

موضوع علم و درس تاريخ بيش‌تر، رخدادهایی است که زمان‌هایی دور يا خیلی دور روی داده است و کم‌تر به آن چه اکنون وجود دارد، می‌پردازد. در علم تاريخ، با انسان‌ها و عرصه‌هایی سروکار داریم که در ظاهر روزگار آن‌ها به پايان رسیده است و به گذشته‌ها سپرده شده‌اند. اگرچه می‌توان همين تلقی از تاريخ را بدین نحو بيان کرد که تاريخ علاوه بر بررسی صورت کنونی جامعه، به بنيادهای اساسی داخلی آن نيز می‌پردازد. به علاوه، سنگ بنای شکل‌گیری فرهنگ، زندگی و تمدن يك ملت را، با ریشه‌یابی عميق و دقيق و براساس استناد به شواهد محکم و استنباط‌های معين، انجام می‌دهد. اما نيك می‌دانيم که اين همه، در مورد فرزندانگان و فرهیختگان مصداق دارد و نمی‌توان از خيل

عظیم مخاطبانی چون دانش‌آموزان انتظار داشت که عالمانه و شبیه متخصصان به تاریخ بنگرند.

بنابراین در قدم اول، برای توفیق در تحقق هدف‌های درس تاریخ، باید به علاقه‌مندی و انگیزه‌ی درونی معلمان و دانش‌آموزان، توجهی خاص داشت. ضرورت توجه به علاقه و انگیزه‌ی این دو گروه از آن‌روست که هر دو، با انسان‌ها، واقعه‌ها و دوره‌هایی سروکار دارند که ناچارند به قضاوت نیک و بد درباره‌ی آن‌ها و رد و قبول آن‌ها بپردازند.

به هر بخش از تاریخ که مراجعه می‌کنیم، با آن رابطه‌ای روحی، فکری و حتی انس و همدلی برقرار می‌کنیم، به خصوص آن‌جا که موضوع سخن، تاریخ مشترک یک ملت است؛ یعنی سرگذشتی که آن ملت داشته‌اند و تلخ و شیرین وقایعی که با هم از سر گذرانده‌اند. این سخن گفتن درباره‌ی آن‌چه که مشترک است (تاریخ)، خودبه‌خود بر پاشنه‌ی همدلی، همدردی، هم‌صحبتی و همراهی می‌چرخد. این‌جاست که درس تاریخ با عاطفه‌ی مردم، ارتباطی مستقیم می‌یابد و گاه سراسر جنبه‌ی هنری به خود می‌گیرد.

برای معلم تاریخ و در مقام تدریس، علاقه به تاریخ یک ضرورت است. این برای مخاطب او نیز اجتناب‌ناپذیر است. می‌توان درسی را بدون تعلق خاطر ارائه کرد که دانش‌آموز نیز آن را بفهمد و با موفقیت از امتحان آن بیرون آید. اما مسأله اساسی این است که هدف درس تاریخ، ایجاد علاقه و انگیزه برای خدمت به هم‌نوعان، علاقه به دین و میهن، قبول فداکاری برای آن و آماده شدن برای پیشبرد تمدن و جامعه‌ی بشری است. صرف گرفتن نمره‌ی قبولی در این درس، نشانه‌ی موفقیت در آن نیست. ایجاد رفتار خاص و در ارتباط با تاریخ به وجود آوردن انگیزه برای مطالعه و شناخت آن، مقصد اصلی این درس است.

علاوه بر جهات علمی و آموزشی به نظر می‌رسد، چنان‌که معلم تاریخ در تدریس خویش، تقویت عشق و علاقه به وطن و آماده شدن برای خدمت بدان را یک اصل در نظر بگیرد و دانش‌آموز نیز شناخت سرزمین خویش، پای‌بندی به ارزش‌های دینی، فرهنگی، اخلاقی و به‌طور کلی میراث جامعه‌ی خود، تلاش برای تعالی و ترقی آن و گام نهادن به سوی آینده‌ی ملاک و معیار خویش قرار دهد، به آسانی می‌توان به انگیزه‌های لازم در این راه دست یافت. یافتن انگیزه و علاقه در این درس، از نظر موضوع به خود علم تاریخ بازمی‌گردد، بلکه به آن چیزی برمی‌گردد که تاریخ بدان می‌پردازد؛ یعنی تاریخ و تمدن بشری، تاریخ و فرهنگ ملی و سرانجام، پیروی از انبیا، امامان و انسان‌های بزرگ تاریخ.

معلم تاریخ سرانجام خواه ناخواه در رشته‌ی تاریخ به نوعی دل‌بستگی می‌رسد و وجود او با آن‌چه که به تدریس آن می‌پردازد؛ یعنی تاریخ هم‌میهنان، هم‌دینان و هم‌نوعان خویش، هم‌بسته و پیوسته می‌شود. در این حال دغدغه‌ی او، انسان، تمدن، وطن، دین، ترقی، اخلاق، حقیقت، عدالت و... خواهد شد. بنابراین شایسته است که ضمن ارج نهادن به تمامی دغدغه‌ها و دل‌بستگی‌های یک معلم تاریخ، در جهت تقویت و بهره‌برداری هرچه بهتر و بیش‌تر از شأن انسانی و جایگاه‌الای اخلاقی او، همت گماشت.